

جرم افساد فی الارض از منظر حقوق با تاکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲

احترام رضایی^۱، ناصر علی افضل نژاد^۲، غلامرضا رادمهر^۳

^۱ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا، ورامین،

^۲ دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا، ورامین،

^۳ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا، ورامین،

چکیده

جرم در میان پدیده‌های گوناگون اجتماعی، رفتاری مورد انزجار و نفرت جامعه است، که با توجه به شدت و ضعف آن، مستلزم عقوبت می‌گردد. با پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، یکی از برنامه‌های دولت اسلامی پس از استقرار نظام اسلامی وضع قوانین کیفری مبتنی بر احکام شرع مقدس و لغو مقررات مغایر بود. طلیعه این تحول پیش از تصویب مقررات جدید با اجرای مجازات‌های اسلامی که به موجب احکام دادگاه‌های انقلاب اسلامی در همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب نمایان گردید، آشکار شد. یکی از جرایمی که در فقه و حقوق موضوعه ایران، از آن به جرم علیه امنیت و آسایش عمومی مردم و تلاش در جهت ناامن کردن راه‌ها؛ برای ترساندن مردم نام برده شده است، جرم افساد فی الارض است. افساد فی الارض یکی از اقسام حدود می‌باشند. افساد از ریشه فسد به معنای تباهی، فتنه، نابودی و ... آمده است. عده ای افساد فی الارض و محاربه را دو جرم مستقل می‌دانند و عده ای مخالف این عقیده هستند. در این رابطه چنین به نظر می‌رسد که قانون گذار جمهوری اسلامی ایران افساد فی الارض را جرمی مستقل از محاربه می‌داند. چرا که در قوانین مختلف از قبیل: قانون اخلاک‌گران اقتصادی، قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون عبوردهندگان از مرزها و... به این موارد اشاره نموده است.

واژگان کلیدی: افساد فی الارض، حقوق موضوعه، مصادیق، جرم.

۱. مقدمه

برای دستیابی به نظم و امنیت در جامعه، متغیرهای گوناگونی دخالت دارند که جستجو از این پدیده اجتماعی را دشوار می‌سازند، تلاش برای به دست آوردن ریشه‌های ناامنی مقوله‌ی مهمی است که باید حتی آن را در دوران پیش از تولد افراد جستجو کرد. به گونه‌ای که امروزه اندیشمندان بر این عقیده اند که با فراهم بودن شرایط مناسب روحی و روانی برای مادر در دوران بارداری زمینه‌های رشد و تعالی فرد در آینده فراهم خواهد شد. و این مساله اثبات این مدعا است که نیاز انسان به محیطی امن و آرام جهت پیمودن پله‌های ترقی‌نیازی اساسی است که با قدم گذاشتن فرد به حیات مادی نیز همچنان در وجود او بیشتر می‌گردد. تا جایی که یکی از مهمترین دلایل انسان‌های اولیه برای زندگی اجتماعی دستیابی به نظم و امنیت بوده است و این قضیه با مطالعه‌ی آثار پیشینیان به خوبی مشهود است.

از این رو فتنه‌انگیزی و اغتشاش در نظم ملل و جوامع، همیشه از مهمترین جرایم در طول تاریخ بوده است. که با عناوینی همچون خیانت به پادشاه، خیانت به ملت، آشوبگری و سرکشی مورد مجازات قرار میگرفت. این مهم در قرآن مجید نیز آن قدر پر رنگ جلوه گر شده که حتی گفته شده: «الفتنه اشد من القتل». از آنجا که اجرای احکام اسلامی نیازمند وجود جامعه‌ای آرام و متعادل است، شارع مقدس هرگونه سرکشی علیه حکومت خداوند را با شدیدترین نحو مجازات نموده است. اصولاً با نگاهی به حقوق و فقه اسلامی متوجه می‌شویم که مهمترین فلسفه‌ی احکام و قوانین کیفری در اسلام، فراهم آوردن محیطی سالم جهت شکوفایی استعدادهای نهفته‌ی بشر می‌باشد. تمام حدود الهی برای این وضع شده اند که با مجازات مجرم، او را از خواب غفلت بیدار نموده تا بتواند جایگاه و منزلت واقعی خود را یافته و پله‌های ترقی را طی نماید.

از مهم‌ترین جرائم علیه امنیت در حقوق ایران جرم افساد فی‌الارض است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی می‌باشد. واژه افساد فی‌الارض در معنی اصطلاحی در آیه ۳۳ سوره مائده به معنی کارزار با مسلمین و با مظاهر حاکمیت خدا و پیامبر که همانا تشکیلات حکومت اسلامی می‌باشد به کار می‌رود.

۲. عناصر تشکیل دهنده جرم افساد فی‌الارض

در اینجا به پیروی از شیوه حقوق دانان به بررسی سه رکن اساسی جرم افساد فی‌الارض براساس تعریف ارائه شده پرداخته می‌شود.

۲-۱ عنصر قانونی جرم افساد فی‌الارض

برای آنکه عملی جرم شناخته شود لازم است که قانون قبلاً آن را جرم شناخته باشد و برای آن مجازات تعیین نموده باشد و این یک اصل مسلم حقوقی است که هیچ عملی یا ترک فعلی جرم نیست مگر آنکه قبلاً قانون آن را جرم شناخته و برایش مجازات تعیین نموده باشد. پس برای تشخیص اینکه عملی جرم است یا نه نخست باید به قانون مراجعه کرد زیرا مادامی که در قانون حاکم بر جامعه، الزامی اعم از امر یا نهی در مورد انجام یا خودداری از انجام کاری وجود نداشته باشد، افراد با توجه به اصل آزادی اراده و اصل برائت می‌توانند آن طور که بخواهند رفتار کنند و عدالت کیفری نیز ایجاب می‌کند که برای تعقیب مجرمین قبلاً حد و مرز اعمال ممنوع و قابل مجازات مشخص و معلوم شده باشد تا اشخاص براساس آن رفتار خود را تنظیم نمایند و قضات نیز بتوانند بر اساس آن مرتکب را تحت تعقیب کیفری قرار بدهند و پس از محاکمه و ثبوت جرم به مجازات مقرر در قانون حکم کنند. به این ترتیب عنصر قانونی پایه و اساس جرم را تشکیل می‌دهد و بدون آن هیچ عملی جرم نیست و هیچ مجازاتی بدون قانون ممکن نیست. جرم افساد فی‌الارض نیز از این قاعده مستثنی نبوده و عنصر قانونی افساد فی‌الارض به استناد نص صریح قرآن و روایات و کلام فقها، آیه‌ی ۳۳ سوره مائده می‌باشد و از نظر حقوق موضوعه، با توجه به وضع قانون جدید مجازات اسلامی، در ماده ۲۸۶ به تعریفی جدید و جزا از افساد فی‌الارض پرداخته که مشعر می‌دارد: «هر کس بطور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی

و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور نامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.^۱

۲-۲ عنصر مادی جرم افساد فی‌الارض

میدانیم برای آنکه جرمی وجود خارجی پیدا کند تحقق عنصر مادی ضرورت دارد زیرا ابزار فکر برای ارتکاب جرم به تنهایی کافی نمی‌باشد و اگر سیاست کیفری کشور به صرف قصد ارتکاب جرم، اشخاص را مجرم بدان د موجب خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص و تفکرات ایشان تجسّسات غیر قابل اغماضی به عمل آید و غالباً اشخاص، بدون آنکه برای جامعه خطرناک باشند مجازات شوند. به علاوه افکار مجرمانه قطعی نیستند چرا که بسیاری از افراد، قصد ارتکاب جرم تا هنگامی که مقرون به اعمال خارجی نشده باشد و خللی به نظم اجتماع وارد نسازد، قابل تعقیب نیست. افساد فی‌الارض نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و به صرف فکر و قصد فاسدانه، افساد فی‌الارض تحقق نمی‌یابد و این جرم نیز مانند سایر جرائم مستلزم عنصر مادی است، اما نباید پنداشت که این عنصر مادی تنها (مانند محاربه) فعل مثبت باشد بلکه افساد فی‌الارض ممکن است از طریق ترک فعل و یا حتی از طریق گفتار نیز تحقق یابد. در مفهوم رفتار باید گفت که اصولاً رفتار انسان شامل فعل و معتقدات اوست و فعل نیز یا مثبت است (اقدام) و یا منفی است (ترک فعل) و فعل مثبت نیز خود یا فعل مثبت است (عمل) و یا فعل مثبت معنوی (گفتار) است. لذا در ذیل به شرح هر یک از این رفتارها می‌پردازیم.^۲

۲-۲-۱ افساد فی‌الارض به صورت فعل

با توجه به آنچه گفتیم جرم فعل، عملی است که انجام آن توسط مقنن منع و برای آن مجازات تعیین شده و خود این جرم فعل به دو صورت تحقق می‌یابد یا فعل مثبت مادی است که همانا عمل است و یا فعل مثبت معنوی است که همانا گفتار نامیده می‌شود.

الف) افساد فی‌الارض به صورت فعل مثبت مادی یا عمل

فعل مثبت مادی عمل عبارت است از ارتکاب اعماب مادی که منجر به تحقق جرم می‌شود و در افساد فی‌الارض می‌توان مثالهای گوناگونی را عنوان نمود. مثلاً با استفاده از سلاح به امنیت جامعه لطمه زده و قصد از به کار بردن آن، براندازی نظام اسلامی و یا ضربه زدن به آن است و همچنین می‌توان اخلاص در نظام اقتصادی از طریق جعل اسکناس را نام برد. چنانچه مرتکبین آن از طریق جعل اسکناس رایج کشور و وارد نمودن آنها به داخل کشور به صورت عمده موجب برهم خوردن نظام اقتصادی جامعه اسلامی شده و هدف و غایت اصلی ایشان از ارتکاب این اعمال براندازی یا ضرر زدن به نظام اسلامی است چنانچه ملاحظه می‌شود فعل مادی در این شیوه جعل اسکناس و وارد نمودن آن به صورت عمده به داخل کشور می‌باشد.

ب) تحقق افساد فی‌الارض از طریق فعل مثبت معنوی (گفتار)

در این نوع، شخص با گفتار خود موجب می‌شود تا افساد فی‌الارض تحقق یابد، البته در این نوع لازم است که شخص قصد اخلاص شدید در نظم عمومی کشور را داشته باشد و یا اینکه بداند که عمل او موجب تحقق ضربه خوردن به نظام اسلامی است. در هر صورت مصداق بارز این نوع را می‌توان ماده ۱۰۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ دانست.

^۱ رضایی، احترام، جرم افساد فی‌الارض از منظر فقه و حقوق با تاکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا، ۱۳۹۵، ص ۸۰.

^۲ گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ هشتم، انتشارات مجد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴.

۲-۲-۲ افساد فی الارض به صورت ترک فعل

ترک فعل از طریق عمل نکردن به وظیفه یا واجب شرعی صورت می‌پذیرد و جهت یافتن مثالی برای آن در قوانین و مقررات موضوعه به بررسی لازم به عمل آمد و در قانون مجازات، اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ نمونه ای از ترک فعل به دست آمد.

۲-۳ عنصر معنوی جرم افساد فی الارض

برای تحقق هر جرم لازم است رفتار خلاف قانونی صورت گیرد. ولی ارتکاب این رفتار مجرمانه، خود به خود دلیل بر وجود عنصر روانی یا قصد مجرمانه نیست، بلکه باید آن رفتار، مظهر اراده شخص فاعل باشد یعنی رفتار مورد امر و نهی مقنن می‌بایست با قصد مجرمانه ارتکاب یابد. فعل مرتکب جرم، ابراز خارجی فکر و از قوه به فعل در آمدن فکر است و برای تحقق مسئولیت کیفری قصد و خواست و تصمیم و اراده لازم می‌باشد ولی برای آنکه مسئولیت بالفعل تحقق یابد، باید خواست به انجام عمل مجرمانه تعلق گیرد و به صورت خواستن عمل مجرمانه محقق شود.

در حقوق جزا ابتدا بایستی اراده تحقق یابد. در جرائم نقدی باید اراده بر انجام فعل مجرمانه تعلق گیرد، لذا عنصر اول رکن معنوی هر جرم، آراده و قصد یا سوء نیت عام مرتکب است و عبارت است از اینکه شخصی انجام عملی را که جرم است بخواهد. پس اگر اراده به ارتکاب عمل مجرمانه تعلق نگیرد رکن معنوی تحقق نمی‌یابد، خواستن علاوه بر اینکه ممکن است به تحقق عمل مجرمانه تعلق گیرد ممکن است به تحقق نتیجه مجرمانه نیز تعلق گیرد و علمای حقوق جزا، تعلق خواستن را برای تحقق عمل مجرمانه، عمد عام و تعلق خواستن را به تحقق نتیجه مجرمانه عمد خاص نامیدند و این خواستن تا به فعلیت نرسد رکن معنوی تحقق نمی‌یابد.

در جرم افساد فی الارض که از جرائم عمدی است اراده ارتکاب یا قصد ارتکاب رفتار مجرمانه برای برهم زدن امنیت و سلامت نظام اسلامی (عمد عام) لازم است و علاوه بر این سوء نیت عام لازم است که مرتکب به قصد ضربه زدن به نظام اسلامی یا مقابله با آن مرتکب این رفتار شود (عمد خاص) البته برای بعضی از موارد افساد فی الارض تحقق عمد خاص لازم نیست چرا که مرتکب علم به این دارد که ارتکاب عملش موجب ضربه خوردن به نظام و یا براندازی نظام اسلامی می‌شود و نیاز ندارد که به قصد این نتیجه مرتکب عمل شود.

۳. مصادیق قانونی افساد فی الارض

با توجه به اینکه کشور ایران یک کشور اسلامی است اکثر قوانین آن مقتبس از فقه اسلام می‌باشد. و با توجه به اینکه در حقوق موضوعه ایران جرم افساد فی الارض جرمی مستقل از محاربه در نظر گرفته شده است حال می‌خواهیم ببینیم که آیا چنین عنوانی در فقه وجود دارد یا خیر. به عبارت بهتر آیا قانونگذار ما در اقتباس جرم افساد فی الارض از فقه تخطی نموده است یا خیر؟

فقها در هیچ یک از کتب فقهی بحثی مستقل تحت عنوان افساد فی الارض ارائه ننموده اند و فقط بعضی از فقها یا مفسران اسلامی چه شیعه و چه سنی جرم‌های خاصی را با عنوان افساد فی الارض مطرح نموده‌اند از قبیل کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری، اعتیاد به کشتن اهل ذمه و...، اما قانونگذار ایران در موارد مختلفی به ذکر مصادیقی از افساد فی الارض پرداخته که این خود نشانگر آن است که قانونگذار ایران در اقتباس جرم افساد فی الارض از فقه تخطی نموده است. در ادامه مصادیق افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران را بیان خواهیم نمود.

۳-۱ قانون مبارزه با مواد مخدر

در ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۶/۳ چنین آمده بود.

«مجازات مرتکب به جرائم مذکور در بندهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند و در مرتبه‌های بعدی به ترتیب دو و نیم و سه و نیم و... برابر مجازات مذکور در هر بند خواهد بود، مجازات شلاق برای بار دوم به بعد به حداکثر ۷۴ ضربه است.

در موارد مذکور در فوق چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از ۵ کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا می‌گردد.»

در ماده ۹ همین قانون نیز چنین آمده بود که: «مجازات مرتکب به جرائم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند، و برای بار سوم در برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود مجازات شلاق برای دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند، و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود مجازات شلاق برای بار دوم به بعد حداکثر ۷۴ ضربه است در مرتبه چهارم چنانچه مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است. و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام انجام خواهد یافت. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به بیست تا سی میلیون ریال جریمه نقدی، ده تا پانزده سال حبس با هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

چنانچه ملاحظه می‌شود قانونگذار با عنایت به قوانین فوق الذکر جرم افساد فی الارض را جرمی مستقل قلمداد کرده است. هر چند در اصلاحیه ۱۳۷۶/۸/۱۷ قانون مبارزه با مواد مخدر عنوان «مفسد فی الارض» از ماده ۶ حذف شد. اما در ماده ۹ عین قانون عنوان مفسد فی الارض از این ماده حذف نگردید.^۱

۳-۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ آمده است:

«کسانیکه با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امرارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و در آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.»

در این ماده چنین بیان گردیده است که اگر اعمال مذکور صدق عنوان افساد فی الارض کند شخص مفسد فی الارض خواهد بود، فلذا تعیین افساد فی الارض بودن اعمال مذکور در ماده را به عهده قاضی گذاشته، اما اینکه قاضی با کدام معیار اعمال صورت گرفته را مصداق افساد فی الارض بداند مشخص نگردیده.^۲

هم چنین منظور مقنن از «مصداق مفسد فی الارض باشند» صدق عنوان محاربه نیست به دلیل اینکه عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرائم مذکور در ماده هیچ گونه شباهتی با ارکان جرم محاربه ندارد. بنابراین مقصود مقنن آن است که هرگاه ارتکاب جرائم مالی فوق در سطح وسیع صورت گرفته و به قصد ایجاد اختلال در نظام اقتصادی حکومت اسلامی، فتنه گری و سست کردن پایه‌های نظام باشد چنین شخصی مصداق عنوان مفسد فی الارض بوده و می‌توان او را اعلام کرد.^۳

^۱ گلدوزیان، ایرج، عرفانی، محمود، گنجه اجیرلو، عباس، افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران، ناشر: پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر، ص ۴.

^۲ نعنکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷، ص ۴۸.

^۳ بای، حسینعلی، افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟ (۲)، مندرج در وب سایت <http://bpdanesh.ir/detailnews.asp>

۳-۳ قانون اخلاص گران اقتصادی

در مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ چنین آمده است ماده ۱- ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود.^۱

ماده ۲- هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر اینصورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.

در ماده ۲ قانون اخلاص گران اقتصادی همانطوریکه ملاحظه می‌شود قانونگذار تنها بسنده کرده است به عنوان فساد فی الارض بدون آنکه این جرم را تعریف کرده باشد. و اینکه تصمیم‌گیری در مورد تطبیق عمل صورت گرفته با این عنوان بر چه معیارو اساسی خواهد بود مشخص نگردیده است.

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در موارد متعددی از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ جرائمی به عنوان محاربه قلمداد شده است. و حال آنکه جرائم مذکور هیچ گونه سختی با جرم محاربه ندارد. مثلاً در ماده ۲۳ قانون مزبور آمده است: هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند. اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار را تسهیل یا با علم به فراری بودن، آنان را مخفی نماید در صورتیکه به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد به مجازات محارب و آلاً به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

گفته شده است که چنین توسعه‌ای در مفهوم محارب توجیهی ندارد مگر اینکه بگوییم:

۱- قانونگذار از نظر فقهایی پیروی کرده که «صرف اخلاص به امنیت عمومی» را محاربه می‌دانند.

۲- یا اینکه مرتکبان اعمال مذکور را مصداق مفسد فی الارض بدانیم. که در بین این دو احتمال، احتمال نخست با این استدلال که حتی اگر قصد مرتکب مقابله با نظام یا شکست جبهه خودب نیز نباشد باز هم محارب است، زیرا امنیت عمومی را به خطر افکنده است. رد شده است.

بنابراین هرگاه شخص نظامی با به کار بردن سلاح موجب سلب امنیت عمومی و ایجاد رعب و وحشت گردد، عمل او را باید مصداق محاربه دانست. و نیز در صورتیکه عمل مرتکب به قصد فساد و اخلاص در نظام باشد، به گونه‌ای که عمل او مصداق «افساد فی الارض» باشد، عنوان عمل فساد فی الارض است.^۲

در قانون فوق‌الذکر نیز باز ایرادی که به قوانین قبل وارد می‌شد را می‌توان وارد کرد که باز تعریف و معیاری برای تطبیق اعمال صورت گرفته با فساد فی الارض مشخص نگردیده است.

۳-۴ قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها

در ماده یک قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ چنین آمده است.

ماده ۱ «هر کس دیگری را به طور غیرمجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیرمجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفرهای ذیل محکوم خواهد شد.»

الف- در صورتیکه عمل عبور دهنده مخل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و فساد فی الارض نباشد به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

در این ماده اینکه مقصود مقنن از بکار بردن عنوان محاربه و فساد فی الارض چیست چنین به نظر می‌آید که منظور قانونگذار محاربه نباشد چرا که نوعاً قاچاق انسان فاقد عنصر به کارگیری اسلحه به قصد ایجاد رعب و وحشت است. دکتر هوشنگ

^۱ الحاقی ۱۴ دی ۱۳۸۴، روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵

^۲ بای، حسینعلی، فساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض چیست؟ (۲)، پیشین.

شامبیاتی نیز همین اعتقاد را دارد ایشان در این رابطه چنین اعتقاد دارند که: قانونگذار اسلامی برخی از جرائم را به جرم محاربه و افساد فی الارض تعمیم داده و مرتکب را به مجازات محاربه محکوم می‌نماید در حالی که برخی از آنها با تعریف ارائه شده برای محاربه سازگاری ندارد. ایشان پس از ذکر این مطالب مواردی را بیان می‌کنند که با وجود اینکه قانونگذار از عنوان محاربه و افساد فی الارض استفاده کرده ولی به هیچ وجه ارکان خاص جرم محاربه و افساد فی الارض در این جرائم وجود ندارد که یکی از این موارد قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور می‌باشد.^۱

بنابراین در قاچاق انسان قصد قاچاقچیان منافع اقتصادی و حداکثر تضعیف نظام اسلامی است که در این صورت هرگاه عمل قاچاق دختران و پسران کم سال حتی بزرگسالان موجب ایجاد فساد گسترده‌ای گردد، مرتکب مصداق مفسد فی الارض است.

۳-۵ قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس

در ماده واحد، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ چنین آمده است.

«هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا با واسطه جعل کند، یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به اعدام محکوم می‌شود. همچنین عامل عامد و عامل ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می‌گردد مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است.»

همانطوریکه ملاحظه می‌شود قانونگذار مرتکبین موضوع ماده واحد قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس را مفسد فی الارض تلقی کرده و مجازات اعدام را برای آنها در نظر گرفته است.

از این ماده چنین به نظر می‌آید که قانونگذار افساد فی الارض را جرمی مستقل از محاربه دانسته است. چرا که اولاً در این ماده افساد فی الارض در کنار محاربه آورده نشده است و ثانیاً عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم مزبور (جرم موضوع ماده واحد قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس) هیچ گونه شباهتی با عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم محاربه ندارد.

۳-۶ قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان

قبل از پرداختن به این مطلب که در چه صورتی محتکران و گرانفروشان مصداق مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم می‌شوند لازم است که تعریف این دو عنوان (احتکار و گرانفروشی) را از نظر بگذرانیم.

براساس ماده یک قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ محتکر و گرانفروش را چنین می‌توان تعریف کرد:

الف- محتکر

محتکر کسی است که ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم از قبیل گندم، جو، کشمش و... را به قصد افزایش قیمت جمع و نگهداری کند.

ب- گرانفروشی

گرانفروش نیز کسی است که کالا را به بیش از نرخ متعارف عرضه کند و در مورد کالاهایی که به دست دولت توزیع می‌شود به بیش از نرخ تعیین شده توسط دولت عرضه کند.

حال که تعریف محتکر و گرانفروش را هرچند بطور مختصر بیان نمودیم اینک موادی را که بر اساس قانون فوق الذکر مصداق مفسد فی الارض می‌باشد را بیان می‌نماییم.

^۱. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم (جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸، ص ۵۵.

الف) ماده ۵ «هر کسی که مرتکب هر یک از اعمال مشروحه زیر شود با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب برای مرتبه اول به جزای نقدی از ۲ تا ۵ برابر و برای مرتبه دوم از ۵ تا ۱۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیر صنفی از ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفی علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهند شد.

۱- فروش مصنوعات یا فرآورده‌ها گرانتر از نرخ مقرر

۲- دریافت اجرت یا دستمزد خدمات، زاید بر میزان مقرر

۳- معامله صوری به نرخ مقرر و بکار بردن تمهیداتی که عملاً موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر بشود.

۴- استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه کیفیت کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می‌آورد.

۵- عرضه نان معمولی با پخت نامرغوب

۶- تحویل کالا کمتر از وزن یا مقدار به مشتری

۷- انتقال غیرمجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است. به شهر و منطقه دیگر و یا فروش آن به اشخاص دیگر

۸- خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالا یا مصنوعات و یا فرآورده‌ها یا خدمات برخلاف مقررات صنفی

۹- امتناع فرد از دادن فاکتور به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع

ب) ماده ۶ چنانچه اعمال فوق به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

چنانچه مشاهده می‌شود مقصود مقنن از اینکه مرتکب مصداق محارب باشد آن نیست که شخص محترک و گران فروش اسلحه کشیده و قصد ترسانیدن مردم را داشته باشد. بنابراین ارکان و عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه سنخیتی با جرم موضوع ماده ۵ قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان ندارد. بنابراین مقصود قانونگذار افساد می‌باشد. چرا که هرگاه گران فروشی و احتکار به قصد ایجاد بحران و مقابله با نظام اسلامی بوده و آثار نامطلوب گسترده‌ای را به همراه داشته باشد. عمل مصداق افساد فی الارض بوده و مرتکب به مجازات جرم مذکور محکوم خواهد شد.^۱

۳-۷ قانون مجازات فعالیت کنندگان در امور سمعی بصری

در ماده قانون مجازات اشخاص که در امور سمعی و بصری مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ فعالیت غیر مجاز می‌نمایند چنین آمده است: «عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیر مجاز اعم از اینکه مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ. ارشاد اسلامی داشته باشند و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازاتهای مشروحه ذیل محکوم خواهند شد:

الف - عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. چنانچه عوامل فوق الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌شوند.

۱- تولید کنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه

۲- تولید کنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران

^۱. بای، حسینعلی، افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟ (۲)، پیشین.

۳- عوامل اصلی رد تولید آثار مستهجن

در مورد این مطلب که قانونگذار در این ماده قانونی فساد فی الارض را جرمی مستقل دانسته با دلایلی که قبلاً ذکر گردید به نظر جای تردیدی نیست لکن در این ماده هم باز قانونگذار مشخص نکرده که در چه صورتی عمل مرتکب می‌تواند مصداق افساد فی الارض باشد.

در هر حال با وجود ذکر مصادیق افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران قانونگذار در هیچ کدام از مواد ذکر شده تعریفی از این جرم ارائه نداده و در بعضی از مواد بدون آنکه ضابطه و ملاکی را تعیین نماید تطبیق عمل صورت گرفته از سوی مرتکب جرم را با عنوان افساد فی الارض به قاضی سپرده است. اما در اینکه این مواد ذکر شده جرم محاربه باشد نیز صحیح نمی‌باشد. چرا که ارکان و عناصری که برای جرم محاربه ذکر گردیده شده هیچ سنخیتی با ارکان و عناصر جرم موضوع این مواد ندارد در هر حال چنین به نظر می‌آید که قانونگذار از بیان این مواد چنین قصد داشته که فساد فی الارض مستقل از محاربه است. هر چند که در این رابطه بین حقوقدانان و فقها اختلاف نظر هست که در فصل گذشته این اختلافات ذکر گردیده فلذا از ذکر مجدد این مطالب خودداری می‌نمایم.

به هر حال با مد نظر قرار دادن مواد قانون مجازات اسلامی چنین می‌توان بیان نمود مطابق لایحه فوق الذکر فساد فی الارض مستقل از محاربه می‌باشد اگر چه در لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۸۶ در ماده ۲۸۸-۱ تعریف محاربه اینگونه آمده است «محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان یا مال یا ناموس یا ارباب مردم به نحوی که موجب ناامنی در آن محیط یا راه شود».

در این تعریف قانونگذار تنها به تعریف محاربه پرداخته و نامی از مفسد فی الارض نبرده است که این نوع بیان در واقع مؤید آن است که قانونگذار محاربه و افساد فی الارض را دو عنوان جداگانه قلمداد کرده است. هم چنین در این رابطه، می‌توان به ماده ۱۰-۲۸۸ لایحه مذکور اشاره داشت که یکسری جرائم را افساد فی الارض به شمار آورده که ماده ۱۰-۲۸۸ لایحه مذکور مقرر می‌دارد:

«هرکس به طور گسترده مرتکب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی اخلاص در نظام اقتصادی کشور، آتش سوزی، تخریب و ترور، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، دایر کردن مراکز فساد و فحشا گردد به گونه‌ای که سبب اخلاص شدید در نظام عمومی کشور و یا موجب نا امنی و ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال در نظام عمومی و خصوصی شود یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به مجازات محاربه محکوم می‌گردد.

تبصره: هر گاه متهم اثبات نماید قصد اخلاص در نظم و امنیت جامعه یا ایراد خسارت عمده را نداشته یا علم به مؤثر بودن اقدام خود را در این موارد نداشته است، مفسد فی الارض نمی‌باشد».

همانطوریکه فوقاً هم ذکر گردید در قانون مجازات اسلامی محاربه و افساد فی الارض دو عنوان مستقل ذکر گردید، اما ایرادی گرفته شده است این است که مجازاتی که خاص مفسد فی الارض باشد ذکر نگردیده و احاله شده به قانون مجازات اسلامی^۱.

۳-۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳/۰۴/۲۸

در ماده ۳ قانون مذکور چنین آمده است که: «چنانچه عمل مرتکب ((قاچاق انسان)) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود».

در تبصره ۱ این ماده چنین آمده است که: «چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده می‌شود».

^۱ گلدوزیان، ایرج، احمد زاده، ابو الفضل، بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶.

در تبصره فوق باز ایرادی که به مواد دیگر نیز شده بود می‌توان وارد ساخت چرا که در این تبصره باز مشخص نگردیده شده که در چه صورتی عمل مجرم می‌تواند مصداق محاربه و افساد فی الارض باشد.

۴. نتیجه گیری و پیشنهادات

هرچند در قانون سابق دو جرم محاربه و افساد فی الارض تحت یک عنوان قرار داشتند اما با توجه به بازنگری کامل و جدی در قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، سرانجام قانونگذار این دو عنوان کیفری را از یکدیگر تفکیک و با دو عنوان جداگانه و تحت دو جرم مستقل مورد بررسی قرار داد. همچنین به این نتیجه دست یافتیم که جنسیت و مذهب افراد تأثیری در اصل و ماهیت جرم نداشته و در محاربه مهم نیست که مرتکب جرم مرد یا زن باشد. و نیز مسلمان یا کافر بودن زمان و محل ارتکاب جرم که شب باشد یا روز، در شهر باشد یا خارج از شهر در خشکی باشد یا دریا و تعداد افراد نیز در جرم محاربه مهم نیست (چه یک نفر و چه چندین نفر). همچنین کسی مثل معلول که نوعاً نمی‌تواند موجبات اخافه مردم را فراهم سازد اگر بر روی مردم سلاح بکشد و بر اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست. افساد فی الارض یکی از جرایمی است که از فقه اسلام و از آیه ۳۳ سوره مائده وارد حقوق موضوعه ایران گردیده است. قرار گرفتن این عنوان در کنار محاربه این شبهه را در عده ای بزرگان بوجود می‌آورد که جرمی با عنوان مستقل افساد فی الارض وجود ندارد. قانونگذار ایران با ذکر مصادیقی از جرم افساد فی الارض این جرم را جرم مستقلی از محاربه می‌داند. این مصادیق عبارتند از قانون اخلال گران اقتصادی، قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس، قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان، قانون مجازات فعالیت کنندگان در امور سمعی و بصری، قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها، قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات جرائم جرائم نیروهای مسلح، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و قانون مبارزه با قاچاق انسان.

فهرست منابع

۱. بای، حسینعلی، افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض چیست؟ (۲)، مندرج در وب سایت <http://bpdanesh.ir/detailnews.asp>
۲. رضایی، احترام، جرم افساد فی الارض از منظر فقه و حقوق با تاکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا، ۱۳۹۵.
۳. روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵
۴. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم (جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
۵. گلدوزیان، ایرج، احمد زاده، ابو الفضل، بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱، ۱۳۸۸.
۶. گلدوزیان، ایرج، عرفانی، محمود، گنجه اجیرلو، عباس، افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران، ناشر: پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر.
۷. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ هشتم، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
۸. نعاکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷.

Crime of corruption on earth from the perspective of law with an emphasis on Islamic Penal Code enacted 2013

Ehteram Rezaee¹, Nasser Ali Afzal Nejad², Gholamreza Radmehr³

1. MA in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Varamin

2. Ph.D in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Varamin

3. MA in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Varamin

Abstract

Crime among various social phenomena is a disgust and hatred behavior of society that according to the intensity and weakness of it requires punishment. With the victory of Islamic Revolution by leadership of Imam Khomeini (RA), one of the Islamic government programs after the establishment of the Islamic system, criminal laws based on religious provisions and abolish regulations were inconsistent. This development was evident before the adoption of new regulations with the implementation of Islamic punishments that according to provisions of courts of Islamic Revolution in the early days of victory of revolution appeared. One of the crimes that are named in jurisprudence and Iranian law, as a crime against public safety and security of people and effort to insecurity of ways, to scare people is crime of corruption on earth. Corruption on the earth is one of the kinds of Hudud. Corruption is derived of the root of corrupt in the meaning of intrigue, disturbance, and destruction. Some consider corruption on earth and banditry two independent crimes and some are opponents of this approach. In this respect, it seems that legislator of the Islamic Republic of Iran considers corruption on the earth as an independent crime of banditry. Because in the different laws such as law of economic violators, law of fighting with narcotics, law of across borders and... referred to these cases.

Keywords: corruption on earth, statute laws, examples, crime
